

سخن سردبیر

واژه‌ی روشنفکر پس از انقلاب مشروطه با عنوان منورالفکر وارد زبان فارسی شد و شیوع پیدا کرد، به‌عنوان معادلی برای واژه‌ی انتلکتوئل^۱ از زبان انگلیسی در نظر گرفته شد. روشنفکران چه به مثابه‌ی یک گروه اجتماعی در نظر گرفته شوند و چه به‌عنوان یک طبقه‌ی اجتماعی تلقی شوند، مولود عصر مدرن به حساب می‌آیند. این گروه یا طبقه‌ی اجتماعی، متخصصینی هستند که فراتر از تخصص خود وارد میدان تحولات و منازعات اجتماعی شده و با نگرشی نقادانه نظم موجود را به چالش می‌کشند.

از منظر جامعه‌شناسی، متعاقب صنعتی شدن جوامع و ورود به عصر مدرن، با تخصصی شدن امور، معمولاً افراد حداکثر در یک یا دو حوزه صاحب‌نظر می‌باشند، در نتیجه از بسیاری مسائل، دانش و آگاهی چندانی به دست نمی‌آورند. در چنین شرایطی، روشنفکران با فاصله گرفتن از نظم اجتماعی موجود از جنبه‌ی معرفتی، به نقد آگاهانه‌ی آن پرداخته و کاستی‌ها و نارسایی‌های اجتماعی آن را در معرض دید مردم و صاحبان قدرت قرار می‌دهند و گاهی با روشنگری‌های خود و جلب حمایت عامه‌ی مردم و با گسترش گفتمان انتقادی خویش، زمینه‌ی برخی تغییرات اجتماعی را فراهم ساخته و جامعه را به سوی اصلاح رهنمون می‌شوند و حتی گاهی توفیق می‌یابند کانون‌های فاسد قدرت را جابه‌جا نموده و به انجام اصلاحات ساختاری نایل شوند.

البته اگر به جای روشنفکر از واژه «مصلح اجتماعی» بهره گرفته شود، نقش مصلحین اجتماعی، نه تنها عصر مدرن که جوامع پیشامدرن را نیز شامل خواهد شد. در این جوامع، نقش عالمان روشن‌ضمیر و نواندیش در عصر الهیاتی - که رسالت خطیر نقادی جامعه را بر دوش می‌کشند - با نقش روشنفکران در دوران مدرن برابری می‌کند.

اگر از چشم‌اندازی تاریخی به موضوع نگریسته شود، ملت‌های کهن و برخوردار از تداوم تاریخی - همانند ملت ایران - علی‌رغم تلاش برای استمرار تاریخی خود فراز و نشیب‌ها و حوادث

1- Intellectual

گوناگونی را تجربه نموده و به طور طبیعی در هر دوره‌ای ستاره‌هایی تابناک در آسمان اندیشه‌ی آن‌ها طلوع کرده که با تیزبینی خاص و با استعانت از اندوخته‌های علمی و فرهنگی ملت خود، در هر دوره پاسدار اصالت ملی و نقد وضع موجود بوده‌اند.

گاهی این تلاش اندیشه‌ورزانه درحوزه‌ی معرفت انجام گرفته و دستمایه‌های معرفتی ایرانیان به‌عنوان حکمت خسروانی با بنیادهای معرفتی اسلام ترکیب شده و مکتبی جدید را در حوزه‌ی معرفت بنا نهاده که به حکمت اشراق شهرت یافته است.

دسته‌ای از روشنفکران، علی‌رغم هیمنه‌ی قدرتمند تجدد، با تکیه بر معرفت فلسفی خود در مقابل هویت مدرن، بحث از هویت قدسی به میان آورده و زمانی مصلحی دیگر از منظر دین به هویت ملی نگریسته است. زمانی نیز روشنفکری دیگر بحث از سه پایه بودن هویت ایرانی به میان آورده و دیگری با جستاری در فرهنگ عامه به نقد مؤلفه‌های هویت ایرانی پرداخته و تلاش نموده است عناصر مقوم هویت ایرانی را از عواملی که منجر به ضعف آن شده است بازشناسد.

فصلنامه‌ی مطالعات ملی، با هدف بررسی نقش گروه‌ها، طبقات و جریانات مؤثر در فرایند تکوین هویت ملی - طی دو شماره - بررسی اندیشه‌ی برخی از این مصلحین و روشنفکران را در دستور کار مطالعاتی خود قرار داده است. بدیهی است که این مهم فقط فتح بابی است تا صاحبان قلم و اندیشه با بیان دیدگاه‌ها، اندیشه‌ها و تتبعات خود، ما را در غنی‌تر نمودن معرفت در این حوزه یاری نمایند.